



سیدجواد نقوی خبرنگار گروه ایده حکمرانی

این روزها بحث سریال «سووشون» داغ است و قسمت اول این سریال هم پخش شده؛ هرچند قسمت اول خیلی جذاب و باکیفیت نبود؛ اما مجدد بحث این رمان و نویسنده آن، سیمین دانشور بر سر زبان‌ها افتاده است؛ حتی چند دوست کتاب‌فروش هم نقل می‌کردند که بعد از این سریال آمار فروش این رمان چندبرابر و مجدد درخواست به ناشر داده شده است که این رمان را برای کتاب‌فروشی ارسال کنند. همه این مسائل باعث شد یکی از مهم‌ترین رمان‌های ایرانی که نویسنده آن هم یک زن است؛ بار دیگر بر سر زبان‌ها باشد و حالا فرصت خوبی است که به این اثر توجه شود؛ اثری که برخی از اهالی ادب و فرهنگ آن را جزء پنج اثر مهم ادبیات داستانی ایران معرفی می‌کنند و برخی‌ها هم معتقدند رمانی است که چند دهه از زمانه خودش جلوتر بوده. اما آنچه اهمیت دارد چگونگی شکل‌گیری این رمان و اتمسفر دوره خودش و افکار دانشور است که دارای اهمیتی بسیار است و تا این مسائل مشخص نشود شاید اهمیت این رمان فهمیده نمی‌شود.

■ ■ ■

— برای شروع اهمیت سووشون از خود دانشور شروع می‌کنیم

سیمین دانشور و سووشون: دانشور در خانواده‌ای تربیت شده بود که خیلی افکار چپی یا آتاریسمم در آن وجود نداشت؛ پدرش پزشک بود و مادرش هم اهل شعر و در مدرسه انگلیسی‌ها درس خوانده بود و بعدها تا مقطع دکتر ادبیات خوانده بود و دوسال هم در آمریکا در دانشگاه استنفورد زیباشناسی مطالعه کرده بود. این موارد نشان می‌دهد دانشور از اساس افکار سیاسی نداشته وبعدها بحثی مطرح شد که پس از ازدواج با جلال افکار سیمین تغییر کرده است که او خودش این بحث را رد کرد و تأکید داشت جلال آل احمد همسر من بود؛ اما هیچ‌کدام در افکار با او هم‌نظری کامل نداشتیم. پرسشی اینجا مطرح می‌شود که چرا سیمین دانشور با چنین خاستگاهی دست به نوشتن این رمان می‌زند؟ سیمین معتقد است این رمان برگرفته از دو اتفاق است؛ اولی خاطرات خودش در سال‌هایی که در رادیو مشغول به کار بوده و به شیراز سفر می‌کند و این سفر تقریباً

ماسک که کار با رسانه از توانمندی‌های منحصر به‌فرد او محسوب می‌شود، در شبکه یکس با همان صفحه توئیتر خود با مخاطب ۲۲۰ میلیونی ضمن ناسپاس خواندن ترامپ مدعی می‌شود اگر کمک‌های سال قبل او نبود الان دموکرات‌ها در ایالات متحده سکان امور را در دست داشتند.

ماسک در روزهای منتهی به ورود ترامپ به کاخ سفید اصطلاحاً رفیق گرمابه و گلستان او می‌شود و اوج ائتلاف این دو را می‌توان انتصاب میلیاردر قدرتمند حوزه فناوری، به عنوان رئیس اداره کار آملی دولت دانست. انتصابی که عمری در حدود ۱۳۰روز داشت و در طول ۱۰۰ روز نخست، برپه‌هاوثرین اداره دولت ترامپ بود، اداره‌ای که نهادهای دولتی را تعطیل و هزاران کارمند دولت را به

در بازه ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ است که سر بازار انگلیسی و هندی و ایرلندی در شیراز بودند و در حق مردم محلی ظلم می‌کردند و خان‌های آن منطقه هم از سر اجبار تن به خواسته‌های سربازان و فرماندهان آنجا می‌دادند که این وقایع تلخ باعث شد این رمان را بنویسد. واقعه بعدی کودتای ۱۳۳۲ است که باعث شد جامعه ایران دچار افسردگی شود و به‌نوعی انفعال تن دهد؛ در چنین شرایطی است که دانشور شروع به نوشتن این رمان می‌کند، در واقع این رمان نوعی ترسیم واقعیت در قالب داستانی است و دانشور نه از باب ایده‌های روشنفکری و نه از باب افکار خاصی، بلکه از نوعی واکنش به امر واقع بوده که تصمیم به نوشتن چنین اثری در اوشکل گرفته است؛ به همین جهت مشخص می‌شود دانشور با آن تحصیلات و افکار چپرا این اثر را کار کرده؟ اوبه دنبال این مسئله بوده است که چنین وقایعی از ساحت تاریخی و حافظه جمعی ایرانیان پاک نشود و به‌عنوان یک زن ایرانی دلسوز وطن در تلاش بوده چنین اثری باعث شود در آن مقطع و بعدها، خود آگاهی شکل بگیرد و جامعه متوجه شود در چه شرایطی است و در چه شرایطی بوده، یعنی مسئله دانشور در این رمان مشابه کار یک مورخ است که دوست دارد برای پیشرفت وطن خودش از تاریخ و دانش تاریخی استفاده کند. دانشور با همه آن افکار که به‌شدت از سیاست هم دور است و از سیاست کناره‌گیری هم می‌کرد؛ اما در نقش یک مورخ دلسوز وارد می‌شود و چون خودش می‌گوید سواد و وضعیت فرهنگی هم در آن مقطع یعنی دهه چهل خیلی خوب نبود؛ سعی می‌کنند به ساده‌ترین صورت و یک رمان به زبان ساده را بیان کند که در صحنه اجتماعی مفید باشد.

دهه چهل و سووشون: مسئله مهم دیگری که درباره این رمان باید بیان کرد، دوره و زمانه‌ای است که دانشور این کار را شروع می‌کند. سووشون سال ۴۸ به بازار عرضه می‌شود و این یعنی انتهای دهه ۴۰ است که دانشور این کار را برای جامعه می‌نویسد؛ از باب جامعه‌شناختی اگر بخواهیم شرح دهه ۴۰ را صورت دهیم، این دهه همان مقطعی است که برخی کارشناسان اقتصادی معتقدند دهه شکوفایی ایران است و به‌نوعی موفقیت‌های نسبی این دهه است که توهم وسیعی به شاه می‌دهد که در دهه بعدی دیگر دست از سرکوب نمی‌کشد. به‌نوعی هنگامی که ۱۶ سال از کودتا گذشته پهلوی دوم توانسته با کمک دانشگاه‌ها و اندیشکده‌های آمریکایی طرحی از توسعه را شکل دهد. هنگامه فراموشی واقعه‌ای مثل کودتاست و حکومت سعی

در بازه ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ است که سر بازار انگلیسی و هندی و ایرلندی در شیراز بودند و در حق مردم محلی ظلم می‌کردند و خان‌های آن منطقه هم از سر اجبار تن به خواسته‌های سربازان و فرماندهان آنجا می‌دادند که این وقایع تلخ باعث شد این رمان را بنویسد. واقعه بعدی کودتای ۱۳۳۲ است که باعث شد جامعه ایران دچار افسردگی شود و به‌نوعی انفعال تن دهد؛ در چنین شرایطی است که دانشور شروع به نوشتن این رمان می‌کند، در واقع این رمان نوعی ترسیم واقعیت در قالب داستانی است و دانشور نه از باب ایده‌های روشنفکری و نه از باب افکار خاصی، بلکه از نوعی واکنش به امر واقع بوده که تصمیم به نوشتن چنین اثری در اوشکل گرفته است؛ به همین جهت مشخص می‌شود دانشور با آن تحصیلات و افکار چپرا این اثر را کار کرده؟ اوبه دنبال این مسئله بوده است که چنین وقایعی از ساحت تاریخی و حافظه جمعی ایرانیان پاک نشود و به‌عنوان یک زن ایرانی دلسوز وطن در تلاش بوده چنین اثری باعث شود در آن مقطع و بعدها، خود آگاهی شکل بگیرد و جامعه متوجه شود در چه شرایطی است و در چه شرایطی بوده، یعنی مسئله دانشور در این رمان مشابه کار یک مورخ است که دوست دارد برای پیشرفت وطن خودش از تاریخ و دانش تاریخی استفاده کند. دانشور با همه آن افکار که به‌شدت از سیاست هم دور است و از سیاست کناره‌گیری هم می‌کرد؛ اما در نقش یک مورخ دلسوز وارد می‌شود و چون خودش می‌گوید سواد و وضعیت فرهنگی هم در آن مقطع یعنی دهه چهل خیلی خوب نبود؛ سعی می‌کنند به ساده‌ترین صورت و یک رمان به زبان ساده را بیان کند که در صحنه اجتماعی مفید باشد.

دهه چهل و سووشون: مسئله مهم دیگری که درباره این رمان باید بیان کرد، دوره و زمانه‌ای است که دانشور این کار را شروع می‌کند. سووشون سال ۴۸ به بازار عرضه می‌شود و این یعنی انتهای دهه ۴۰ است که دانشور این کار را برای جامعه می‌نویسد؛ از باب جامعه‌شناختی اگر بخواهیم شرح دهه ۴۰ را صورت دهیم، این دهه همان مقطعی است که برخی کارشناسان اقتصادی معتقدند دهه شکوفایی ایران است و به‌نوعی موفقیت‌های نسبی این دهه است که توهم وسیعی به شاه می‌دهد که در دهه بعدی دیگر دست از سرکوب نمی‌کشد. به‌نوعی هنگامی که ۱۶ سال از کودتا گذشته پهلوی دوم توانسته با کمک دانشگاه‌ها و اندیشکده‌های آمریکایی طرحی از توسعه را شکل دهد. هنگامه فراموشی واقعه‌ای مثل کودتاست و حکومت سعی

اگر «سووشون» درست ساخته شود

می‌کند عادی‌سازی کند و بگوید سیاست و امر سیاسی برای افراد و اجتماع سم است و همه باید زندگی خودتان را ادامه دهید و به طرح حکومت وقت بله بگویید. در چنین شرایطی که همه افقا‌ها به سمت توسعه حرکت می‌کند بسیاری از روشنفکران مخالف حکومت در دستگاه سرکوب شریک شده‌اند یا در استخدام دولنت و عادی‌سازی با آمار موفقیت‌آمیز اقتصادی در حال پخش است؛ چنین رمانی چه معنایی می‌دهد؟ به نظر دانشور نه از لنز یک زن آکادمیک و تحصیل کرده و نه از لنز معدود زنان روشنفکر ایرانی، بلکه از منظر یک هم‌وطن و یک ایرانی احساس می‌کند مسئله عادی‌سازی و حل‌شدن در زندگی روزمره‌ای که پهلوی دوم پر پر پاگاندا می‌کند؛ نوعی بی‌وطن‌شدن یا از جا کنده‌شدن انسان ایرانی است. دانشور گویی متوجه شده افسون‌زدایی حکومت از سیاست و شعارهای توسعه‌خواهانه و اقتصادی خیلی شبیه به همان بحث مهم الکسیی دو توکرول است که معتقد بود افسون‌زدایی آمریکایی‌ها شور زیستن را از ما گرفته است. نوعی در رنج عدم شور زیستن به سسر می‌بریم یا اگر بهتر بخواهیم توضیح دهیم شبیه به بحث نیچه است. این مدل زندگی و این راحتی رقت‌انگیز هیچ از انسانیت ما نخواهد گذشت و ما دیگر انسان نخواهیم بود؛ گویی دانشور می‌دانست ایران و انسان ایرانی نه با این حل‌شدن در صحنه جهانی، بلکه با ایده‌ای ماندگار بوده که دقیقاً خلاف این مسئله رفتار کرده است؛ درخت ایران نه به جهت حل‌شدن در آب و وصل‌شدن به آب جهانی پیشرفت می‌کند، بلکه حاصل آبیاری‌شدن با خون است از سیاهوش در بحث‌های شاهنامه تا امام حسین(ع) در ایده‌های شیعی؛ به‌نوعی دانشور در زمانی که احساس می‌کند. ما در حال حل‌شدنیم و ایران و ایرانی ماندن در خطر است. این اثر را در دهه‌ای می‌نویسد که همه به دنبال عادی‌سازی حاکثری هستند و قصد دارند استعمار و کودتا را هم حتی مفید نشان دهند.

بازگشت ایران به سیاست: ایرانیان یکبار در واقعه جنبش تنباکو و ایضاً اتفاقات مشروطه به‌شدت به ساحت سیاسی ورود پیدا کرده بودند؛ نهضت ملی نفت و مصدق هم‌بار دیگری بود که ایران را یکپارچه وارد چرخه سیاست کرده بود اما کودتا ۱۳۳۲ و بعد دستگاه سرکوب حکومت به همراه دخالت آمریکایی‌ها استبداد شدیدی را شکل داده بودند که هرگونه عمل سیاسی را در شروع خفه می‌کردند. در چنین وضعیتی دستگاه پروپاگاندا پهلوی استبداد نرم را هم شکل داده بود، فقط سرکوب ساواک و آمریکایی‌ها نبود؛ استبداد نرم مکانیسم نامرئی را شکل داده بود که دوگانه زندگی خوب و زندگی سخت

در بازه ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ است که سر بازار انگلیسی و هندی و ایرلندی در شیراز بودند و در حق مردم محلی ظلم می‌کردند و خان‌های آن منطقه هم از سر اجبار تن به خواسته‌های سربازان و فرماندهان آنجا می‌دادند که این وقایع تلخ باعث شد این رمان را بنویسد. واقعه بعدی کودتای ۱۳۳۲ است که باعث شد جامعه ایران دچار افسردگی شود و به‌نوعی انفعال تن دهد؛ در چنین شرایطی است که دانشور شروع به نوشتن این رمان می‌کند، در واقع این رمان نوعی ترسیم واقعیت در قالب داستانی است و دانشور نه از باب ایده‌های روشنفکری و نه از باب افکار خاصی، بلکه از نوعی واکنش به امر واقع بوده که تصمیم به نوشتن چنین اثری در اوشکل گرفته است؛ به همین جهت مشخص می‌شود دانشور با آن تحصیلات و افکار چپرا این اثر را کار کرده؟ اوبه دنبال این مسئله بوده است که چنین وقایعی از ساحت تاریخی و حافظه جمعی ایرانیان پاک نشود و به‌عنوان یک زن ایرانی دلسوز وطن در تلاش بوده چنین اثری باعث شود در آن مقطع و بعدها، خود آگاهی شکل بگیرد و جامعه متوجه شود در چه شرایطی است و در چه شرایطی بوده، یعنی مسئله دانشور در این رمان مشابه کار یک مورخ است که دوست دارد برای پیشرفت وطن خودش از تاریخ و دانش تاریخی استفاده کند. دانشور با همه آن افکار که به‌شدت از سیاست هم دور است و از سیاست کناره‌گیری هم می‌کرد؛ اما در نقش یک مورخ دلسوز وارد می‌شود و چون خودش می‌گوید سواد و وضعیت فرهنگی هم در آن مقطع یعنی دهه چهل خیلی خوب نبود؛ سعی می‌کنند به ساده‌ترین صورت و یک رمان به زبان ساده را بیان کند که در صحنه اجتماعی مفید باشد.

«خدا حافظ آقای ماسک»؛ پایان شتاب‌زدهٔ ماه عسل قدرت و ثروت

گزارش‌های پلیس از طریق شکایات حقوقی، مدارک قضایی و درخواست‌های قانون آزادی اطلاعات منتشر شده‌اند. در این پرونده‌ها به نام افرادی چون دونالد ترامپ، بیل کلینتون رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، شاهزاده اندرو از بریتانیا و حتی دیوید کاپرفیلد شعبده‌باز معروف نیز اشاره شده بود.
هرچند روز بعد از توییت ماسک و افسشارگی در مورد نقش ترامپ در پرونده اسپستین، رئیس‌جمهور آمریکا در بخشی از سخنان خود گفت: «من و ایلان رابطه فوق‌العاده‌ای داشتیم.» جمله‌ای که استفاده از زمان گذشته در آن قابل توجه بود، از سوی دیگر ماسک نیز در صفحه اجتماعی خود نوشت: «ترامپ سه‌سال و نیم دیگر رئیس‌جمهور است، اما من بیش از ۴۰ سال دیگر دوام می‌آورم.» این پیکنگ‌های توئیتری حکایت از پایان شتاب‌زده ماه عسل ترامپ و ماسک دارد. ترامپ که همیشه به توانمندی خود در پاسخ‌های کوبنده می‌بالد در توییته تهدیدآمیز نوشت: «آسان‌ترین راه برای صرفه‌جویی میلیارد‌ها و میلیارد‌ه دلار در بودجه، قطع پارانها و قراردادهای دولتی ایلان است.»
با این حساب اگر ترامپ تهدیدات خود در حوزه مالی علیه شرکت تسلا را عملیاتی کند این شرکت با سقوطی درناک مواجه خواهد شد، کم‌اینکه بعد از همین چند خط نوشته ترامپ ارزش سهام تسلا کاهش ۱۴ درصدی داشت. اما از سوی دیگر نمی‌توان انتظار داشت که غول ثروت جهان دست و پا بسته شاهد تهدیدات ترامپ باشد.

ماسک نیز قدرت تقریبی بی‌پایانی برای واکنش به تهدیدات ترامپ دارد، از جمله

را صورت‌بندی کرده بود. در سمت زندگی خوب عدم توجه به سیاست و زندگی کردن را تبلیغ می‌کرد و در سمت زندگی سخت ورود به عرصه سیاست را مشکل داده بود. استبداد نرم قصد داشت نشان دهد بهترین شیوه زندگی سیاست‌زدایی از هر فرد و اجتماعی است و اینجا باز هم می‌توان از ایده الکسیی دو توکرول استفاده کرد که چنین جوامعی را این‌گونه شرح می‌دهد (انسان‌هایی محبوس در قلب‌های خودشان) یعنی بی‌تفاوت به سیاست و مسائل اجتماعی؛ و این همان ایده‌ای بود که استبداد نرم به دنبال آن بود. دانشور با شخصیت‌پردازی از «زری» که مهم‌ترین سوره داستان او است نشان می‌دهد زری هم نه از سیاست استقبال می‌کرد نه از افرادی که اهل سیاست باشند، بلکه حتی یوسف شوهر خودش را هم از کارهای سیاسی منع می‌کرد. اما همین زری بعد از کشته‌شدن یوسف شوهرش متوجه شد حتی اگر تن به زندگی خوب هم دهد، این حد وسیع دخالت و شرارت طرف مقابل باز هم زندگی او را ویران می‌کند؛ پس برای نجات زندگی خودش هیچ راهی جز ورود به صحنه سیاست و سیاست‌ورزی وجود ندارد و اگر تن به زندگی خوب دهد ویرانی وسیع‌تر از آنچه باید باشد، رخ خواهد داد. به‌نوعی سیمین دانشور دعوت مجددی به بازگشت به سیاست می‌کند و نشان می‌دهد در دوره‌ای که استبداد نرم در تلاش است سیاست را به‌طورکلی بی‌معنا کند، دانشور نشان می‌دهد ایرانیان و انسان ایرانی اگر قصد دارد کاری را برای پیشرفت وطن شکل دهد هیچ راهی به جز بازگشت به سیاست و مطالبه هویت خودش ندارد و اگر تن به استبداد نرم دهد سرنوشت (زری) در انتظار بخش و مسیعیی از زنان و هم‌وطنان کشور است. به‌نوعی دانشور با این رمان مجدد تصویر و تخیلی از ایران سیاسی را شکل می‌دهد که برگرفته از امیدزی است که از خرداد ۴۲ متولد شده است و حالا این اثر قصد دارد مجدد حافظه جمعی ایرانیان را تلنگر بزند و بگوید تنها راه نجات دعوت به هویت جمعی و سیاسی ایرانیان است.

نتیجه‌گیری: رمان «سووشون» یکی از مهم‌ترین رمان‌هایی است که امروز هم هنوز زنده است، شخصیت داستان از زری تا یوسف همه در شرایط فعلی و اتمسفر فعلی مانا هستند و نباید تصور کرد دانشور فقط آن مقطع را موردنظر داشته، بلکه این رمان امروز هم طرح بحث‌هایی ویژه‌ای را داراست؛ چراکه هنوز دعوت به دو نوع زندگی واقعی است و هنوز هم حل‌شدن در نظمی بیرون از سیاست و امر سیاسی وجود دارد و امیدوارم که پورنگ شدن این رمان بار دیگر به خود آگاهی جمعی ما ایرانیان کمک کند.

در بازه ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ است که سر بازار انگلیسی و هندی و ایرلندی در شیراز بودند و در حق مردم محلی ظلم می‌کردند و خان‌های آن منطقه هم از سر اجبار تن به خواسته‌های سربازان و فرماندهان آنجا می‌دادند که این وقایع تلخ باعث شد این رمان را بنویسد. واقعه بعدی کودتای ۱۳۳۲ است که باعث شد جامعه ایران دچار افسردگی شود و به‌نوعی انفعال تن دهد؛ در چنین شرایطی است که دانشور شروع به نوشتن این رمان می‌کند، در واقع این رمان نوعی ترسیم واقعیت در قالب داستانی است و دانشور نه از باب ایده‌های روشنفکری و نه از باب افکار خاصی، بلکه از نوعی واکنش به امر واقع بوده که تصمیم به نوشتن چنین اثری در اوشکل گرفته است؛ به همین جهت مشخص می‌شود دانشور با آن تحصیلات و افکار چپرا این اثر را کار کرده؟ اوبه دنبال این مسئله بوده است که چنین وقایعی از ساحت تاریخی و حافظه جمعی ایرانیان پاک نشود و به‌عنوان یک زن ایرانی دلسوز وطن در تلاش بوده چنین اثری باعث شود در آن مقطع و بعدها، خود آگاهی شکل بگیرد و جامعه متوجه شود در چه شرایطی است و در چه شرایطی بوده، یعنی مسئله دانشور در این رمان مشابه کار یک مورخ است که دوست دارد برای پیشرفت وطن خودش از تاریخ و دانش تاریخی استفاده کند. دانشور با همه آن افکار که به‌شدت از سیاست هم دور است و از سیاست کناره‌گیری هم می‌کرد؛ اما در نقش یک مورخ دلسوز وارد می‌شود و چون خودش می‌گوید سواد و وضعیت فرهنگی هم در آن مقطع یعنی دهه چهل خیلی خوب نبود؛ سعی می‌کنند به ساده‌ترین صورت و یک رمان به زبان ساده را بیان کند که در صحنه اجتماعی مفید باشد.

— دموکرات‌ها نظاره‌گر تقابل آتش و باروت

در نهایت، آنچه روزی با هیاهوی دوسنی آغاز شد، حالا با هیاهوی افشارگی و تهدید به پایان می‌رسد. دو غول دنیای قدرت و ثروت، با همان سرعتی که به هم نزدیک شدند، اکنون در جدالی تمام‌عیار به مصاف هم رفته‌اند؛ یکی با اهرم رسانه و نفوذ مالی و دیگری با اهرم قدرت سیاسی و ابزارهای دولتی. اگرچه ترامپ با تهدید قطع حمایت‌ه‌سای مالی تلاش دارد کنترل اوضاع را دوباره در دست بگیرد، اما ماسک نیز ثابت کرده که از مهره‌های حیاتی صفحه شطرنج سیاست و اقتصاد آمریکاست و در صورت لزوم، می‌تواند قواعد بازی را به‌کلی تغییر دهد.

در این میان، دموکرات‌ها محتاطانه سکوت کرده‌اند و به معنای ضرب‌المثل دشمن دشمن تو، دوست تو است، فکر می‌کنند. شاید بهترین استراتژی برای آن‌ها همین باشد؛ نظاره‌گر دیگری در وقیب، بدون آنکه هزینه‌ای پرداخت کنند. چراکه فعلاً، دعوای دو ابرقدرت رسانه و سیاست، تنها صدایی است که از واشنگتن شنیده می‌شود و احتمالاً به اندازه‌ای بلند است که مانع از شنیده شدن صداهای دیگر در سیاست آمریکا می‌شود.

در بازه ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ است که سر بازار انگلیسی و هندی و ایرلندی در شیراز بودند و در حق مردم محلی ظلم می‌کردند و خان‌های آن منطقه هم از سر اجبار تن به خواسته‌های سربازان و فرماندهان آنجا می‌دادند که این وقایع تلخ باعث شد این رمان را بنویسد. واقعه بعدی کودتای ۱۳۳۲ است که باعث شد جامعه ایران دچار افسردگی شود و به‌نوعی انفعال تن دهد؛ در چنین شرایطی است که دانشور شروع به نوشتن این رمان می‌کند، در واقع این رمان نوعی ترسیم واقعیت در قالب داستانی است و دانشور نه از باب ایده‌های روشنفکری و نه از باب افکار خاصی، بلکه از نوعی واکنش به امر واقع بوده که تصمیم به نوشتن چنین اثری در اوشکل گرفته است؛ به همین جهت مشخص می‌شود دانشور با آن تحصیلات و افکار چپرا این اثر را کار کرده؟ اوبه دنبال این مسئله بوده است که چنین وقایعی از ساحت تاریخی و حافظه جمعی ایرانیان پاک نشود و به‌عنوان یک زن ایرانی دلسوز وطن در تلاش بوده چنین اثری باعث شود در آن مقطع و بعدها، خود آگاهی شکل بگیرد و جامعه متوجه شود در چه شرایطی است و در چه شرایطی بوده، یعنی مسئله دانشور در این رمان مشابه کار یک مورخ است که دوست دارد برای پیشرفت وطن خودش از تاریخ و دانش تاریخی استفاده کند. دانشور با همه آن افکار که به‌شدت از سیاست هم دور است و از سیاست کناره‌گیری هم می‌کرد؛ اما در نقش یک مورخ دلسوز وارد می‌شود و چون خودش می‌گوید سواد و وضعیت فرهنگی هم در آن مقطع یعنی دهه چهل خیلی خوب نبود؛ سعی می‌کنند به ساده‌ترین صورت و یک رمان به زبان ساده را بیان کند که در صحنه اجتماعی مفید باشد.

در بازه ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ است که سر بازار انگلیسی و هندی و ایرلندی در شیراز بودند و در حق مردم محلی ظلم می‌کردند و خان‌های آن منطقه هم از سر اجبار تن به خواسته‌های سربازان و فرماندهان آنجا می‌دادند که این وقایع تلخ باعث شد این رمان را بنویسد. واقعه بعدی کودتای ۱۳۳۲ است که باعث شد جامعه ایران دچار افسردگی شود و به‌نوعی انفعال تن دهد؛ در چنین شرایطی است که دانشور شروع به نوشتن این رمان می‌کند، در واقع این رمان نوعی ترسیم واقعیت در قالب داستانی است و دانشور نه از باب ایده‌های روشنفکری و نه از باب افکار خاصی، بلکه از نوعی واکنش به امر واقع بوده که تصمیم به نوشتن چنین اثری در اوشکل گرفته است؛ به همین جهت مشخص می‌شود دانشور با آن تحصیلات و افکار چپرا این اثر را کار کرده؟ اوبه دنبال این مسئله بوده است که چنین وقایعی از ساحت تاریخی و حافظه جمعی ایرانیان پاک نشود و به‌عنوان یک زن ایرانی دلسوز وطن در تلاش بوده چنین اثری باعث شود در آن مقطع و بعدها، خود آگاهی شکل بگیرد و جامعه متوجه شود در چه شرایطی است و در چه شرایطی بوده، یعنی مسئله دانشور در این رمان مشابه کار یک مورخ است که دوست دارد برای پیشرفت وطن خودش از تاریخ و دانش تاریخی استفاده کند. دانشور با همه آن افکار که به‌شدت از سیاست هم دور است و از سیاست کناره‌گیری هم می‌کرد؛ اما در نقش یک مورخ دلسوز وارد می‌شود و چون خودش می‌گوید سواد و وضعیت فرهنگی هم در آن مقطع یعنی دهه چهل خیلی خوب نبود؛ سعی می‌کنند به ساده‌ترین صورت و یک رمان به زبان ساده را بیان کند که در صحنه اجتماعی مفید باشد.

در بازه ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ است که سر بازار انگلیسی و هندی و ایرلندی در شیراز بودند و در حق مردم محلی ظلم می‌کردند و خان‌های آن منطقه هم از سر اجبار تن به خواسته‌های سربازان و فرماندهان آنجا می‌دادند که این وقایع تلخ باعث شد این رمان را بنویسد. واقعه بعدی کودتای ۱۳۳۲ است که باعث شد جامعه ایران دچار افسردگی شود و به‌نوعی انفعال تن دهد؛ در چنین شرایطی است که دانشور شروع به نوشتن این رمان می‌کند، در واقع این رمان نوعی ترسیم واقعیت در قالب داستانی است و دانشور نه از باب ایده‌های روشنفکری و نه از باب افکار خاصی، بلکه از نوعی واکنش به امر واقع بوده که تصمیم به نوشتن چنین اثری در اوشکل گرفته است؛ به همین جهت مشخص می‌شود دانشور با آن تحصیلات و افکار چپرا این اثر را کار کرده؟ اوبه دنبال این مسئله بوده است که چنین وقایعی از ساحت تاریخی و حافظه جمعی ایرانیان پاک نشود و به‌عنوان یک زن ایرانی دلسوز وطن در تلاش بوده چنین اثری باعث شود در آن مقطع و بعدها، خود آگاهی شکل بگیرد و جامعه متوجه شود در چه شرایطی است و در چه شرایطی بوده، یعنی مسئله دانشور در این رمان مشابه کار یک مورخ است که دوست دارد برای پیشرفت وطن خودش از تاریخ و دانش تاریخی استفاده کند. دانشور با همه آن افکار که به‌شدت از سیاست هم دور است و از سیاست کناره‌گیری هم می‌کرد؛ اما در نقش یک مورخ دلسوز وارد می‌شود و چون خودش می‌گوید سواد و وضعیت فرهنگی هم در آن مقطع یعنی دهه چهل خیلی خوب نبود؛ سعی می‌کنند به ساده‌ترین صورت و یک رمان به زبان ساده را بیان کند که در صحنه اجتماعی مفید باشد.

در بازه ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ است که سر بازار انگلیسی و هندی و ایرلندی در شیراز بودند و در حق مردم محلی ظلم می‌کردند و خان‌های آن منطقه هم از سر اجبار تن به خواسته‌های سربازان و فرماندهان آنجا می‌دادند که این وقایع تلخ باعث شد این رمان را بنویسد. واقعه بعدی کودتای ۱۳۳۲ است که باعث شد جامعه ایران دچار افسردگی شود و به‌نوعی انفعال تن دهد؛ در چنین شرایطی است که دانشور شروع به نوشتن این رمان می‌کند، در واقع این رمان نوعی ترسیم واقعیت در قالب داستانی است و دانشور نه از باب ایده‌های روشنفکری و نه از باب افکار خاصی، بلکه از نوعی واکنش به امر واقع بوده که تصمیم به نوشتن چنین اثری در اوشکل گرفته است؛ به همین جهت مشخص می‌شود دانشور با آن تحصیلات و افکار چپرا این اثر را کار کرده؟ اوبه دنبال این مسئله بوده است که چنین وقایعی از ساحت تاریخی و حافظه جمعی ایرانیان پاک نشود و به‌عنوان یک زن ایرانی دلسوز وطن در تلاش بوده چنین اثری باعث شود در آن مقطع و بعدها، خود آگاهی شکل بگیرد و جامعه متوجه شود در چه شرایطی است و در چه شرایطی بوده، یعنی مسئله دانشور در این رمان مشابه کار یک مورخ است که دوست دارد برای پیشرفت وطن خودش از تاریخ و دانش تاریخی استفاده کند. دانشور با همه آن افکار که به‌شدت از سیاست هم دور است و از سیاست کناره‌گیری هم می‌کرد؛ اما در نقش یک مورخ دلسوز وارد می‌شود و چون خودش می‌گوید سواد و وضعیت فرهنگی هم در آن مقطع یعنی دهه چهل خیلی خوب نبود؛ سعی می‌کنند به ساده‌ترین صورت و یک رمان به زبان ساده را بیان کند که در صحنه اجتماعی مفید باشد.

خطوط قرمز ایران در مذاکرات کاملاً روشن است. حفظ استقلال و عزت ملی، به معنای رد هرگونه تحمیل یا دخالت در سیاست‌های داخلی، خط قرمز اصلی است. حفظ برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز و توان موشکی، به‌عنوان ستون‌های بازدارندگی دفاعی، غیر قابل مذاکره‌اند. ایران بر لغو عملی تحریم‌ها با مکانیسم‌های راستی‌آزمایی تأکید دارد. تحمیل محدودیت‌های موشکی و منطقه‌ای، ایران را در برابر تهدیدات نظامی آسیب‌پذیر می‌کند، چیزی که نظام به هیچ قیمتی نمی‌پذیرد.

خطوط قرمز آمریکا نیز به همان اندازه مشخص است. جلوگیری از دستیابی ایران به توانایی تولید سلاح هسته‌ای، حتی بالقوه، اولویت اصلی است. توقف یا محدودسازی برنامه موشکی ایران و کاهش نفوذ منطقه‌ای این کشور، به‌ویژه در حمایت از گروه‌هایی مانند حزب‌الله لبنان و انصارالله یمن، از دیگر خطوط قرمز است. آمریکا خواستار نظرات‌های گسترده و دانهی برنامه هسته‌ای ایران است، حتی اگر فراتر از استانداردهای بین‌المللی باشد. همچنین، دولت ترامپ به توافق نیاز دارد که در برابر انتقادهای داخلی کنگره و لای‌های قدرتمند اسرائیل قابل دفاع باشد. نگرانی آمریکا از سیاست‌های منطقه‌ای ایران و احتمال دستیابی به توانایی هسته‌ای است که می‌تواند توازن قدرت را به نفع ایران تغییر دهد. شکست مذاکرات نیز برای آمریکا هزینه‌بر است، زیرا می‌تواند به تنش‌های نظامی منجر شود که دولت ترامپ به دلیل فشارهای داخلی و بین‌المللی از آن پرهیز دارد.

ایران در مذاکرات به دنبال لغو تحریم‌ها، حفظ برنامه هسته‌ای و تقویت جایگاه منطقه‌ای خود است. درحالی‌که آمریکا و دولت ترامپ می‌خواهند توانایی‌های هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای ایران را محدود کنند. شکاف عمیق بیسن خطوط قرمز دو طرف، مذاکرات را به فرایندی پیچیده تبدیل کرده، اما تجربه نشان داده که در شرایط خاص توافقات محدود مشروط به رعایت خطوط قرمز ممکن است. این بازی دیپلماتیک نیازمند هوشیاری ایران در برابر فشارهای نظام سلطه است تا ضمن حفظ عزت ملی، به اهداف استراتژیک خود دست یابد. از سویی دیگر، نهادهای تصمیم‌گیر کشور باید تلاش کنند تا تصور حیاتی و تعیین‌کننده بودن مذاکره را اصلاح کرده و باتکیه بر رهنمودهای رهبر انقلاب، تمهیداتی برای حل مشکلات کشور مستقل از مسیر مذاکرات اتخاذ کنند. این رویکرد، با تأکید بر توانمندی‌های داخلی و تقویت دیپلماسی اقتصادی با کشورهای غیر غربی تضمین می‌کند که در صورت شکست مذاکرات ایران بتواند مسائل اقتصادی و سیاسی خود را با اقتدار و بدون وابستگی به طرف مقابل مدیریت کند.

علیرضا کاظمی کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

چرا آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی ایران، با وجود اعتقاد به اینکه آمریکا دشمن اصلی و وجودی ایران است و مذاکره با این کشور به جایی نمی‌رسد، با انجام مذاکرات توسط دولت‌های مختلف موافقت می‌کنند؟ این پرسش در نگاه اول پارادوکسیکال به نظر می‌رسد و پاسخ ساده‌ای ندارد. دیدگاه ایشان درباره مذاکره با آمریکا از دو محور کلیدی نشئت می‌گیرد: باور به اصول اساسی انقلاب اسلامی و سوابق طولانی دشمنی آمریکا با ایران. از نظر رهبر انقلاب، آمریکا مصداق (طاغوت اعظم) است، نظامی سلطه‌گر که با اصل موجودیت جمهوری اسلامی به‌عنوان یک نظام مستقل و مخالف هژمونی غرب دشمنی دارد. این دشمنی به مسائل مقطعی و خردی چون برنامه هسته‌ای یا توان موشکی ایران محدود نیست، بلکه به هویت انقلابی و استقلال طلبانه نظام جمهوری اسلامی برمی‌گردد. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که با حمایت آمریکا علیه دولت مصدق انجام شد، پشتیبانی از رژیم پهلوی در برابر خواست ملت ایران، حمایت همه‌جانبه از صدام در جنگ تحمیلی و سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران در سال ۱۳۶۷، خروج از برجام و ترور سردار سلیمانی به دستور مستقیم شخص رئیس‌جمهور آمریکا تنها بخشی از شواهد تاریخی‌اند که غیرقابل اعتماد بودن آمریکا را برای رهبری اثبات می‌کنند. بااین حال، رهبری به دو دلیل مذاکره را به‌طورکلی نفی نکرده‌اند. اولین دلیل این است که ایشان در شیوه مدیریتی و تصمیمات دولت‌های مختلف و سایر ارکان تصمیم‌گیری در نظام جمهوری اسلامی ایران، تا جایی که این تصمیم‌ها تبعات خطرناکی برای کشور نداشته باشد، دخالت نکرده و صرفاً خطوط کلی را برای این تصمیمات اتخاذ می‌کنند. از طرفی در نزد رهبری، مذاکره مشروط به رعایت شروطی که عزت، استقلال و منافع ملی ایران را حفظ کند، موردقبول است. مفهوم «رزش قهرمانانه» که ایشان در سال ۱۳۹۲ مطرح کردند، کلیدی برای فهم این رویکرد است. این مفهوم به معنای انعطاف تاکتیکی در دیپلماسی برای دستیابی به اهداف بلندمدت نظام، بدون خدشه به اصول بنیادین انقلاب است.

اما مسئله این است که طرف مقابل، سابقه خوبی به مذاکره با ایران برچای نگذاشته است و این مهم باعث شده است که رهبری به مذاکره با غرب خوش‌بین نباشد. رهبر انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که مذاکره با آمریکا به دلیل سابقه بدعهدی این کشور نمی‌تواند به طور کامل موافقت‌آم باشد. به‌عنوان نمونه، در دهه ۱۳۶۰، مذاکرات غیرمستقیم بین دولت آیت‌الله هاشمی با دولت جرج



چهارشنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۴



شماره ۴۴۳۳



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE